

جغرافیای تاریخی و سیاسی ایل کلهر با اسناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران

sadatizadeh@yahoo.com

خدیجه عباسی گورخرم

دانش آموخته دکترای تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۹/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۵/۱۲

چکیده

ایل کلهر دارای پیشینه طولانی در غرب کشور و خصوصاً استان کرمانشاه داشته است. این ایل همواره نقش مهمی را در مناسبات سیاسی و منطقه‌ای منطقه حداقل از دوره صفوی تا دوره پهلوی دوم ایفا می‌کند. این مسئله اهمیت موضوع را نشان می‌دهد و اگر چه پژوهش‌های پراکنده‌ای در خصوص آداب و رسوم و فرهنگ ایلی، تاریخ و پیشینه آنها نگاشته شده؛ اما تاکنون پژوهش مستقل و مناسبی در مورد جغرافیای تاریخی و سیاسی ایل کلهر و نقش آنها در منطقه غرب ایران نگاشته نشده است. در این راستا مهم‌ترین سوال پژوهش این است که ایل کلهر چه نقشی در تاریخ سیاسی و اجتماعی منطقه غرب ایران با توجه به شواهد تاریخی و منابع مکتوب ایفا می‌کنند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایل کلهر نقش غیر قابل انکاری در مناسبات سیاسی منطقه غرب ایران در قرون متأخر اسلامی ایفا می‌کند. در قرون متأخر اسلامی دولت مرکزی ایران در تعامل با ایلات و عشایر، یک نظام تعامل‌پذیر را همواره در پیش می‌گرفت و قدرت‌های برتر و مسلط مرکزی با قدرت‌های محلی و اقوام و گروه‌ها روابط مشخصی برقرار می‌کردند. به عبارتی در این دوران، حکومت مرکزی با همه طرف‌نדהا و سیاست‌هایی که برای تثبیت قدرت سیاسی در میان ایل کلهر و عشایر منطقه غرب در پیش گرفت، با در پیش گرفتن نوعی تعامل‌پذیری در ارتباط با آنها، بخشی از اختیارات خود را در حوزه محلی کرمانشاه به خود کردها واگذار کرد و به توزیع قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در مقابل دریافت خدمات محلی آنها پرداخت.

واژگان کلیدی: ایل کلهر، جغرافیای تاریخی و سیاسی، کرمانشاه، قرون متأخر اسلامی، اسناد تاریخی.

وجه تسمیه

کلهر از دو واژه «کل» و «هور» یا «هَر» تشکیل شده است. «کل» به معنای آهوی کوهی نر، حیوانی شجاع و جنگنده با جست و خیز فراوان است. «هور» یا «هر» به معنای خورشید و آفتاب است. زیستگاه و قلمرو ایل کلهر، دامنه‌ها و ارتفاعات پرفراز و نشیب زاگرس است. مردمان این ایل در طول تاریخ با نام‌لایمات طبیعی دست و پنجه نرم کرده با شجاعت و جنگندگی همانند آهو، کوه‌ها و صخره‌ها را در نوردیده‌اند و مهاجمانی را که از صفحات غربی قصد سوئی داشته عقب رانده و از مرزهای غربی به خوبی دفاع کرده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۴). گروهی نیز کلهرها را به خاطر چهره‌های بشاش و جذابشان به خورشید تشبیه کرده‌اند (بشیری، ۱۳۶۳: ۳۸۵-۳۸۶).

این واژه را به صورت کلهور و کلهر نوشته‌اند و اهالی کَلِر تلفظ می‌کنند. راولینسن معتقد است که مسکن ایل کلهر همان شهر آشوری (کالچ) است که تا امروز این واژه را حفظ کرده و در سیر تطور خود به صورت کلهر درآمده است (راولینسن، ۱۳۶۲: ۲۲-۲۳).

معمربین هوشمند ایل اینگونه توجیه می‌کنند که چون در مراسم باستانی نوروز، سده و مهرگان، جوانان این ایل در دستگاه سلاطین ساسانی مأمور برافروختن آتش بر فراز صخره‌های صعب‌العبور زاگرس بوده‌اند و واژه (کل) در زبان کردی به معنی صخره‌گاه است و (ور) کردی فعل امر (بُر) است و صفت مرکب کل‌ور به این سبب بر ایل اطلاق شده است. ضمناً آهوی نر را در فصل مستی و بی‌باکی که با هر خیزش چند صخره سخت راه را پشت سر می‌گذارد، نیز کل می‌گویند. اکراد منطقه هر هیئت زیبا و متناسب و شایسته‌ای را به کل تشبیه می‌کنند که تمام این خصوصیات در افراد ایل کلهر نسبتاً وجود دارد (معصومی، ۱۳۵۴: ۵۹).

زیستگاه و حدود جغرافیایی ایل کلهر

ایل کلهر از شمال محدود به ایل‌های کرد، گوران، و گوران بان زرده، از ناحیه جنوب به حوزه حکومتی والی پشتکوه، از طرف مغرب به خاک کشور عراق (مندلی و خانقین)، همچنین به قشلاق ایل سنجابی و قشلاق ایل کرد، از جانب مشرق به بیلاق ایل زنگنه و قسمتی از بیلاق سنجابی (ماهیدشت) و در واقع جنوب شهر کرمانشاه محدود می‌شود.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

افراد این ایل که در واقع بزرگترین ایل غرب کشور محسوب می‌شوند، در شهرستان‌های گیلانغرب، هارون‌آباد (اسلام‌آباد) و بخش‌هایی از کرند، نفت‌شهر، سومار، گهواره، ایوان، ماهیدشت، دهستان قلعه شاهین سرپل ذهاب و نصرآباد قصرشیرین و تمامی نواحی و حومه مکان‌های یاد شده ساکن هستند. البته پراکندگی مردمان ایل کلهر از مکان‌های نامبرده فراتر است به طوری‌که تعداد زیادی از مردم شهر کرمانشاه از کلهرها هستند. مردمان این ایل در محدوده‌های نامبرده با توجه به اینکه اکثریت از طریق دامپروری امرار معاش می‌کرده‌اند، جهت به دست آوردن علف برای احشام و گوسفندان خود در فصول مختلف سال دست به کوچ و تغییر مکان می‌زده‌اند که این امر در بروز اختلاف بین آنها و سایر ایلات تأثیر مهمی داشته است. در تعیین حدود گرمسیر و سردسیر ایل کوه‌های قلاجه و سرکش در شمال گیلانغرب و حومه آن را می‌توان مرز به حساب آورد. یعنی جنوب این کوه‌ها گرمسیر و شمال آنها سردسیر کلهر بوده است. در این مناطق (سردسیر و گرمسیر) گروهی از افراد ایل به صورت یکجانشین هستند که معیشت آنها از طریق کشاورزی و دامپروری به صورت محدود تأمین می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۱).

مرزهای بیلاقی ایل کلهر از ناحیه ماهیدشت ۱ حد شرقی رودخانه مرگ تا نواحی سنجابی، اطراف شاه‌آباد غرب و گوآور است. به بیان دیگر اهالی این ایل از ماهی‌دشت و حسن‌آباد و چهار زیر کرمانشاهان گرفته الی شاه‌آباد، گیلان غرب، سومار و ایوان یا جوی زر پشتکوه سکونت دارند و این اماکن اکثراً بیلاق عشایر کلهر به حساب می‌آید.

چراگاه‌های گرمسیری ایل کلهر نیز نواحی دیره سرپل ذهاب، پیرامون گیلانغرب تا ویژه‌نان، نفت‌شهر و پشته امام حسن (ع) است. بنابراین باید گفت که قشلاق آنها اطراف ماهیدشت، اسلام-آباد، کفرآور، گیلانغرب، قلعه سبزی، سومار، نفت‌شهر و اطراف آنها الی مرز ایران و عراق (در ناحیه مندلی) است. خط سیر ایاب و ذهاب بیلاقی و قشلاقی این ایل، جاده‌های فرعی و کوهستانی است که اغلب بالادست جاده‌های اصلی قرار دارند و ایل مزبور طایفه به طایفه با کلیه

^۱. ماهیدشت به گویش محلی مهین دشت، یعنی بزرگترین دشت است.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

خدمه و حشم به ترتیب معین و منظمی در یک خط حرکت می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵: ۲۶).

با توجه درگیری‌های منطقه‌ای، ناامنی راه‌ها و دخالت‌های گاه و بیگاه حکمرانان کرمانشاه و مشکلات طبیعی این مردمان، کوچ به صورت دسته‌جمعی و گروهی صورت گرفته است و در مکان‌های سردسیر و گرمسیر در یک محل نزدیک به هم سکونت اختیار می‌کردند. البته طوایف تابعه ایل که عبارتند از خالدی، شیانی، سیاه‌سیاه، کاظم‌خانی، تلش، خمان، کرگا، کله‌پا، قوچمی، هارون‌آبادی، منصور، کله‌جوب، الوندی، شوان، ماهیدشتی، بلاغ‌بیگی، زینل‌خانی، شاهینی، ایوانی، گیلانی، زویری، منشی، گلینی و شیرگ (دیره‌ای، ورمزیار) هر کدام داری محدوده‌ای مشخص بوده‌اند که به نام همان طوایف نامگذاری شده‌اند. به گفته‌ی معمرین جایگاه هر ایل بیشتر با توافق ایلخان و کلاتر طایفه تعیین می‌شده است. همچنین از گفتگو با معمرین چنین استنباط می‌شود که قلمرو ایل، بستگی زیادی به قدرت ایلخان و نفوذ او در منطقه داشته است. داودخان ایلخان ایل کلهر، به دلیل نفوذ زیاد او ایل کلهر در میان سایر ایلات بیشتری قلمرو ایلی را داشته است. نفوذ داودخان به حدی بود که حکمران کرمانشاه بدون جلب نظر داودخان نمی‌توانست رؤسای دیگر ایلات را منصوب و یا معزول کند (بشیری، ۱۳۶۳: ۳۸۵ - ۳۸۴).

جغرافیای تاریخی ایل کلهر

مجمعل‌التواریخ شاید اولین اثری است که در اواخر دوره‌ی افشاریه و اوایل زندیه در اتحاد ایل کلهر و زنگنه اشاره‌ای به جمعیت کلهر دارد و می‌نویسد؛ جمیع ایلات زنگنه و کلهر که زیاده بر صد هزار خانوارند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۳۲).

مسعود کیهان که به ذکر اسامی طوایف کلهر و تعداد خانوار آنها در اواخر قاجار و اوایل پهلوی پرداخته است، می‌نویسد: کلهر تقریباً ۱۰ هزار خانوار است. بدین شرح؛ خالدی دو هزار خانوار، شیانی ۱۰ هزار خانوار، سیاه سیاه هزار خانوار، کاظم‌خانی هزار خانوار، تلش ۵۰۰ خانوار، خمان ۵۰۰ خانوار، کرگا ۵۰۰ خانوار، کله پا ۵۰۰ خانوار، قوچمی ۵۰۰ خانوار، هارون‌آبادی ۶۰۰ خانوار، منصور ۵۰۰ خانوار، کله جوب ۳۰۰ خانوار، الوندی ۱۰۰ خانوار، شوان ۲۰۰ خانوار،

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

ماهیدشتی ۱۵۰ خانوار، بداغ بیگی ۱۰۰ خانوار، زینل خانی ۵۰ خانوار، شاهینی ۴۰ خانوار، موش - گیر ۵۰ خانوار و کمره ۵۰ خانوار است. مرکز ایل گیلان، مسکن هارون‌آباد، شیان، بره شمین، قلعه شاهین، دیره، مراتع زیاد و معادن زغال سنگ دارند و به ترتیب اغنام و احشام می‌پردازند. دارای مذهب علی‌اللهی و تسنن هستند (بدیعی، ۱۳۶۲: ۵۸).

از سال ۱۲۱۷ش. تاکنون جمعیت ایل کلهر توسط افراد و مؤسسات مختلف به شرح زیر

برآورد گردیده است:

راولینسون	←	۱۲۱۷ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (راولینسون، ۱۳۶۲: ۳۸).
لیدی شل	←	۱۲۳۵ش.، ۱۱۵۰۰ خانوار (لیدی شل، ۱۳۶۸: ۲۳۰).
لرد گُرز	←	۱۲۷۱ش.، ۵۰۰۰ خانوار (گُرز، ۱۳۴۹، ج اول: ۷۰۶).
احتسابیان	←	۱۳۰۶ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (احتسابیان، ۱۳۱۱: ۱۵۲).
کیهان	←	۱۳۱۱ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (کیهان، ۱۳۱۱: ۶۱).
احتسابیان	←	۱۳۱۵ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (احتسابیان، ۱۳۱۸: ۳۰۸).
رزم‌آرا	←	۱۳۲۰ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۲۲).
ستارمنش	←	۱۳۳۱ش.، ۱۰۰۰۰ الی ۲۰ هزار خانوار (ستارمنش، ۱۳۳۱: ۴۹).
کمیسیون ملی یونسکو	←	۱۳۴۲ش.، ۱۳۰۰ خانوار (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲: ۱۳۷).
زنگنه	←	۱۳۴۷ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (زنگنه، ۱۳۴۷: ۲۱۲).

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

مردوخ ← ۱۳۵۱ش.، ۱۰۰۰۰ خانوار (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۱: ۱۰۵).

معصومی ← ۱۳۵۴ش. ۱۰۰ هزار نفر (معصومی، ۱۳۵۴: ۵۸).

سازمان برنامه ← ۱۳۵۵ش. ۱۵۳۳ خانوار کوچرو (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵: ۲۶).

سازمان امور عشایر ← ۱۳۶۰ش. ۱۲۶۴ خانوار کوچرو (سازمان امور عشایر، ۱۳۶۱: ۲۸).

مرکز آمار ایران ← ۱۳۶۶ش. ۱۶۳۸ خانوار کوچرو (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸: ۱۳۲).

ایل کلهر جز عدۀ قلیلی که در منطقۀ کردستان در حوالی سقز زندگی می‌کنند و سنی مذهبند، در استان کرمانشاهان دارای مذهب شیعه اثنی عشری و طایفه منشی پیرو مذهب اهل حق هستند، بنابراین کلهرها در این حوزه سنی مذهب نیستند.

واسیلی نیکیتین در اثر خود به نام «کرد و کردستان»، به کلهرها در ناحیۀ رستمان خورخوره و نواحی سقز اشاره دارد. می‌نویسد؛ قریب به ده هزار خانواری هستند و تقریباً ۲۰ تیره‌اند. مرکزشان گیلان غرب است و در ماهیدشت، هارون‌آباد، فلاشاینی (قلعه شاهین)، نواحی قصرشیرین و کوند سکونت دارند (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۱۰۵). در کتاب دودمان آریایی نیز مشخصات آمده در تاریخ کردستان با همان میزان جمعیت ده هزار خانوار آمده است (زننگنه، ۱۳۷۴: ۲۱۲).

فیروزیان در خصوص پراکنش ایل کلهر نوشته است: «کلهر از ایلات بزرگ کرمانشاهان است. قسمت اعظم ایل در این استان ساکن شده و یا در درون آن بیلاق و قشلاق می‌کنند. تنها بخش کوچکی به منطقۀ مهران و دهلران در ایلام کوچ می‌کنند. تقسیمات ایل را تحت این عنوان ذکر می‌کند؛ تیره چنار و کنار، طایفه منطقۀ حسن‌آباد (در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کرمانشاه)، تیره ماهیدشت، طایفه‌های خارجی که کلهر خالص نیستند و احتمالاً از پشتکوه ایلام و

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

خوزستان آمده‌اند، دیگر طایفه‌ها». (فیروزیان، ۱۳۴۸: ۱۳۵). اما طوایف ایل کلهر با تیره‌ها و سوابق آنها را وی به شرح زیر آورده است:

«ایل کلهر قبل از سلطنت سلاطین صفوی در حدود پشتکوه لرستان و سرحد عراق عرب سکونت داشتند و این یورتی که فعلاً در تصرف ایل کلهر است، محل سکناى طایفه شاهسوند بغدادی بود. به واسطه قرب جوار، منازعه‌ای بین آن دو واقع شد، کم‌کم نزاع بالا گرفت و شدت درگیری به اوج خود رسید. سرانجام شاهسوند شکست خورد. از زمان سلطنت شاه عباس تاکنون (۱۳۰۹ق) طایفه کلهر در این محل واقع‌اند». (همان، ۱۳۵).

ایل بزرگ کلهر از روزگاران باستان در غرب کشور می‌زیسته و دارای تاریخی کهن بوده است و همیشه در طول تاریخ ایران زمین مطرح بوده‌اند. کلهرها نسب خود را به گودرز، فرزند گیو می‌رسانند. گیو در زمان پادشاهان کیانی، والی شهر بابل بود. پس از وی پسرش رهام به حکومت بابل رسید. رهام به فرمان بهمن پسر اسفندیار کیانی به شام، بیت‌المقدس و مصر لشکر کشید. خرابی و قتل بسیار به بار آورد و تعدادی از قوم بنی‌اسرائیل را کشت. مورخان، رهام را همان نبوکدنصر یا بخت النصر (۵۶۲-۶۰۴ ق.م) تعبیر کرده‌اند. از آن تاریخ حکومت قسمتی از غرب ایران در دست اولاد آنها یعنی بزرگان کلهر بوده است. (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۱۱۹۱).

صاحب‌نظران و محققین ایرانی و مستشرقین غیر ایرانی معتقد هستند که کلهرها از قدیمی‌ترین طوایف ایرانی هستند که در غرب ایران سکونت داشته‌اند. چه قبل از ظهور اسلام که با انتساب نژاد خود به پهلوانان شاهنامه این پیوند را پاسدار بوده‌اند و اصولاً ادامه این نسبت طوری ادامه می‌یابد که بعد از ظهور اسلام نیز با توجهی به آئین نوین محمدی آمیخته می‌شود و در مقابل ادیان منسوخ چون یهود قرار می‌گیرد؛ اما محققینی چون راولینسون با توجهی این مطلب متواتر تاریخی را دگرگون نمایانده و کلهرها را باقیمانده اسرای ساماریه^۲ به شمار می‌آورد (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۳۴). هنری راولینسون که در سال ۱۲۱۴ش. / ۱۸۳۹م. در کرمانشاه بوده و عشایر و

^۲. ساماریه ناحیه ای در شمال یهودا مرتبط با اقوام بنی اسرائیل در منطقه فلسطین اشغالی است که در هزاره اول ق.م. آشوریان اقوام این منطقه را به کالچ واقع در حلوان امروزی کوچ می‌دهند.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

سرزمین ایل کلهر را از نزدیک دیده است، در سفرنامه خود ضمن توصیف شهر ذهاب در خصوص ایل کلهر می‌نویسد:

«معمولاً شهر ذهاب را به طور اشتباه با شهر حلوان، یکی از هشت شهر باستانی جهان که محل آن در سرپل ذهاب قرار داشته، یکی دانسته‌اند. شهر حلوان که در ۱۲ کیلومتری ذهاب و بر شاهراه بغداد - کرمانشاه واقع شده، همان شهر کالج آشور محل تبعید اسرائیلیان است. ناحیه اطراف حلوان در رابطه با نام این شهر به «کلونی تیس» موسوم گردید که جغرافیدانان باستان از آن یاد کرده‌اند. ایزیدور خاراکسی مخصوصاً از این شهر به نام «Chala» سخن رانده و به نظر می‌رسد اشاره امپراتور هراکلیوس به «Kalachas» مربوط به همین شهر باشد. پس از آنکه آشوری‌ها در سده سوم میلادی تشکیلات نسطوری را در این محل تأسیس کردند، سریانی‌ها نیز یک مطران در اینجا برقرار کرده بودند، و این شهر را کالج و حلوان نامیدند. ولی ایرانیان و اعراب فقط با اسم حلوان آشنا هستند. من معتقدم که حلوان همان شهر آشوری کالج است و در مورد این مطلب که این شهر تبعیدگاه یهودیان ساماریه بوده، دلایل استواری موجود است. در نوشته‌های استرابون می‌خوانیم که نواحی واقع در امتداد دامنه‌های زاگرس گاهی جزء قلمرو ماد و زمانی جزئی از آشور محسوب می‌شده است. بعضی از اعراب مسیحی در نوشته‌های خود شهر خلج، تبعیدگاه یهودیان را به حلوان ترجمه کرده‌اند، بازمانده سنت‌های یهودیان در این منطقه فراوان است. چنانکه هنوز در این نواحی حضرت داود (ع) را بزرگترین پیامبر و حامی خود می‌دانند. اگر امکان این فرض وجود داشته باشد که تا این زمان آثاری از خصوصیات اسرای ساماریه باقی مانده باشد، در این صورت شاید بتوان کلهرها را به عنوان اعقاب آنها در نظر گرفت. این عنوان که کلهرها از زمان‌های باستان تاکنون در نواحی زاگرس سکونت داشته و عنوان کالج را در اسم خود نگاه داشته‌اند، چندان دور از حقیقت نیست» (همان، ۱۳۵). سخن بر سر این نیست که قدمت کلهر بر اساس گفته‌های شرق شناسانی چون راولینسن به دوران آشور و قبل از آن در کوه‌پایه‌های زاگرس می‌رسد؛ و سکونت آنها در این محل بوده است و واژه کلهر هم شاید همان کالج باشد؛ اما اینکه کلهرها را از بازماندگان اسرای ساماریه دانست، سخنی منطقی و مطابق با سند تاریخی نیست و

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

جز از اندیشه‌های استعماری سرچشمه نمی‌گیرد؛ زیرا قلیلی از اکراد اگر برای مدتی موقت به اقتضای جبر حاکم این مذهب را پذیرفته باشند بر اساس منابع موجود دیری نپائیده است و دیگر قومی بیگانه و اسیر نمی‌تواند در موقعیت جغرافیایی چنین محافظ ارزش‌های قوم دشمن و سرکوبگر خود باشد و قرن‌ها در مکان اسارت جایگزین شود. راولینسن همچنین در مورد ایل کلهر معتقد است که کلهرها اگر قدیم‌ترین ایل کردستان نباشند، به عنوان یکی از قدیم‌ترین طوایف این منطقه شناخته شده‌اند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۳۷).

در سازمان سیاسی سستی ایل کلهر که از قشریندی پیشرفته‌ای برخوردار بوده است برخلاف اغلب ایلات (بزرگ ایل) که دارای اینگونه ترکیب ایلی هستند، بر کلهر در فاصله چند قرن یک خانواده قدرتمند به عنوان حاکم مسلط نبوده است. سابقه اجتماعی ایل کلهر را قبل از حکومت صفویه باید در راستای سابقه ایل گوران بررسی نمود.

با ظهور شاه اسماعیل صفوی و به مناسبت اهمیت منطقه کلهر که شاه صفوی با اجرای مذهب رسمی تشیع و بروز اختلافات ایران و عثمانی به بسیج هر چه بیشتر طوایف مرزی و تشکیل ایلات بزرگ مجبور گردید. طوایف مرزدار و ایراندوست از شمال خط مرزی خوزستان را تا شمال مندلی و خانقین در ناحیه گرمسیری و در وسعتی تا دروازه‌های جنوبی کرمانشاه با عنوان ایل بزرگ کلهر منسجم ساخت تا در کنار ایل شیعی پازوکی کرد، قسمتی قابل توجه از سپاه قزلباش را تشکیل دهند و در امورات مرزی و داخلی مؤثر باشند؛ چنانکه امپراتوری عثمانی نیز به دست و پا افتاده و به دلجویی و دادن امتیازاتی به جلب نظر این ایالت پرداخته است. اما هر چند گاه از تلاش خود طرفی نبسته و اگر به تطمیع فرماندهی همت می‌گماشت، توده ایل در جهت پاسداری از سرزمین پدران خود به این وابستگی تن در نمی‌دادند، اما سیاست اشتباه صفویان که به جای توجه به دو هدف و انگیزه نیرومند دین و میهن که بر یکایک این افراد غیرتمند و جانباز مستولی بود؛ حدیث برتری قوم قزلباش و ترکمان را فراهم ساخت (برن، ۱۳۵۷: ۱۱).

با از میان برداشتن سلطه ترکمانان و اتخاذ روش مسالمت‌آمیز شاه عباس اول، ایل کلهر که از دو طایفه مقتدر شهبازی و منصوری تشکیل می‌شدند، به اطاعت و انقیاد از سلطنت صفوی

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

پرداختند. این دو طایفه که هسته مرکزی ایل را تشکیل می‌دادند، در امر تقسیم مراتع هر طایفه و نظم زمان و مکان کوچ، دریافت مالیات، دریافت حق عبور زوار به فعالیت پرداخته و در مقابل زمین‌های زراعتی وسیع و مراتع متعدد و گله‌های بی‌شمار گوسفندان را از آن خود کردند؛ به طوریکه در رقابت برای رسیدن به قدرت القاص کلهر، سالیانه ۴۰ هزار گوسفند را به دارالسلام بغداد می‌فرستاد (سلطانی، ۱۳۸۲: ۶۲۵).

ایل کلهر که از دوره زندیه در سرنوشت حکومتگران زند نقش اساسی داشت و کوچ سیاسی برای پشتیبانی سلطنت کریم خان به شیراز داشتند و بر دو منطقه وسیع و مهم ایل حاکمی، چون قشقای و بختیاری به همراه سایر ایلات کرد کلیایی، مافی، نانکلی و ... مأموریت داشتند، بخاطر حفظ وحدت ایل و انسجام اتحاد داخلی در مقابل این دو ایل بزرگ اطاعات خود از این دو خاندان (اسماعیل خان و منوچهر بیگ) از طایفه شهبازی را لازم می‌دانستند. ایل کلهر در انقضای زندیه و روی کار آمدن آغا محمد خان که به همراه خانواده لطفعلی خان به استرآباد تبعید شدند، تغییر مسیر داده و پس از سازشی با خان قاجار در زادگاه خود مستقر شدند. آغا محمد خان با وارد کردن ۲۰ هزار خانوار در صدد آن نبود تا جبهه ترکمانان شمال ایران را ضعیف کند و جنگی تمام عیار داخلی به وجود آورد؛ وی قصد داشت در ضمن خالی کردن مرزهای غربی قیامی پدید آورد که تحت حمایت دولت عثمانی قرار گیرد. با استفاده از نفوذ مذهبی آقا محمد علی کرمانشاهی و احترام حاجی علی خان زنگنه، حکمران مطیع و متدین، کرمانشاهان، به اعاده نظم این خطه موفق گردید و دو خاندان (اسماعیل خان و حاجی زادگان) با رفق و مدارا بر ادامه حکومت کلهر نایل آمدند. با آمدن محمد علی میرزای دولت‌شاه و وصلت فرزندان اسماعیل خان با نوادگان دولت‌شاه، اولاد حشمت‌الدوله و عنایت دولت‌شاه و فرزندش محمد حسین میرزا به طایفه حاجی زادگان، به تدریج در شهر کرمانشاه به ایجاد زندگی اشرافی و ترتیب ساختمان و عمارت و اداب و تربیت شهری فرزندان در کنار شاهزادگان قاجار پرداخت. وی درصدد بود با قطع رابطه ایلی با سواره و رعایا که زیربنای ادامه حیات آنان بودند و کشیدن مرزی ما بین خاندان خود و

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

آنها که کلانتریان طوایف و کدخدایان به عنوان رابطه‌ای در این امر نقش داشتند، پایگاه‌های ایلی آنها را فرسوده سازد (همان، ۱۲).

جغرافیای سیاسی ایل کلهر

تا اوایل حکومت صفویه از ایل کلهر به طور مشخص نامی برده نشده است، عموماً از ایل کلهر در قالب حکومت کلی کرمانشاهان نام برده شده و تا دوره صفوی نامی از این قوم در عرصه سیاسی برده نشده است. به نظر می‌رسد در دوره صفوی در شمال غرب و غرب ایران، موصل، الجزیره و دیاربکر به حیات خود ادامه داده‌اند و ایل کلهر در این دوره در قالب کلی کرد، مصدر کارها بوده است. اشاره مستند و مکتوب به ایل کلهر به دوره صفویه و در زمان شاه طهماسب برمی‌گردد. منابع این دوره به شورش ذوالفقارخان موصلو، حاکم کلهرها اشاره می‌کنند که در بغداد ساکن بود (روملو، ۱۳۴۹: ۲۷۲ - ۲۷۳).

ایرج افشار نیز در تحقیقات خود راجع به حاکمان کردان کلهر در دوره طهماسب سخن رانده است (افشار، ۱۳۶۶: ۲۸۶). وی می‌افزاید: «کوچ‌نشینان کلهر، بین کرمانشاهان و مرز ایران ساکن بودند، گویا در ابتدای امر نفوذ دولت ایران در آنان اندک بوده است. وی ضمن بیان وقایع سال ۱۵۴۴م. می‌گوید که گروهی برای تنبیه عشایر کلهر که همواره یاغی بودند، فرستاده شد» (همان). ایل کلهر در دوره صفوی بیشتر در نواحی ماهیدشت تا مندلی به زیست مشغول بودند و همیشه ۵۰۰ نفر یاسافی^۳ را آماده خدمت می‌کرده و ظاهراً حاکم ایل دارای موقعیت مستقلی بوده است (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۸۵ و ۲۰۳). به گفته مینورسکی در تذکره‌الملوک، ایل کلهر در دوره صفویه بیشتر در نواحی ماهیدشت تا مندلی در عراق ساکن بودند (همان). یکی از سیاست‌های صفویان در تعیین حکمران برای ایلات مختلف، انتخاب از میان قزلباشان بود و این مسئله باعث نارضایتی مردم آن ایلات و عشایر می‌شد. با به سلطنت رسیدن شاه عباس یکم، این سیاست را تغییر داده و

^۳. این کلمه اصلاً مغولی است و به جنگجویان هر منطقه که به عنوان سهمیه برای شرکت در جنگ‌ها ارسال می-

شدند، گفته می‌شود.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

حکمران را از میان خود ایلات انتخاب می‌کرد. در این دوره، ایل کلهر یکی از دوره‌های اقتدار خود را پشت سر گذاشته بود. بدلیسی در ذیل حوادث سال ۱۰۰۲ ق.

در ذکر امراء ماهیدشت و تغییرات حکمرانی آنها که مصادف با پادشاهی شاه عباس است، می‌نویسد:

«چون در حین تحریر این نسخه بی سامان کسی که از ولایت ایشان خبردار باشد حاضر نبود اما چنان برداشت شد که اوجاق قدیمی ایشان ماهیدشت است و تیلور. اکثر عشایر و قبایل ایشان احشامات و اولوسات است و قبل از حکومت ایشان، در میانه شهباز و منصور نام اشتراک ضبط می‌شد. در تاریخ سنی «اثنی و الف» منصور نام، شهباز را به قتل آورده و جمله احشامات و اولوسات اکراد را به دید تصرف درآورد» (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۱۲). این اختلاف داخلی باعث شد که شیرازۀ ایل را تا مرز فروپاشی در هم شکنند. به همین خاطر حکومت وقت برای تنبیه عشایر کلهر گروهی را عازم منطقه می‌کند که پس از سرکوبی، آنها را تابع ایل زنگنه نماید. زهر بُرن می‌نویسد: «ایل کلهر در این زمان تحت حاکمیت ایل زنگنه به مرکزیت سنقر و کرمانشاهان قرار می‌گیرد» (بُرن، ۱۳۵۷: ۱۱). بدلیسی تقسیمات ایل کلهر را در این دوره چنین آورده است: «ایل کلهر در دوره صفوی به سه دسته تقسیم می‌شود: پلنگان و در تنگ (در ذهاب) و ماهیدشت در مغرب کرمانشاه» (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۱۳). به طور کلی کردها در طول حکومت صفویه کمتر با حکومت سر سازگاری داشتند. در سفرنامه ونیزی‌ها آمده است که: «تمام کردان نسبت به دیگر ایرانیان، مسلمانانی کامل عیارترند؛ زیرا ایرانیان به کیش صفویان گرویده‌اند اما کردها این آیین را نپذیرفته‌اند و اگرچه قبا‌ی سرخ می‌پوشند ولی در دل نفرتی شدید از ایشان دارند.» (سفرنامه ونیزیان در ایران، ۱۳۷۷: ۳۷۱).

به عبارت دیگر ایل کلهر پیش از روی کار آمدن صفویان تا ابتدای حکومت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ق.) دارای موقعیت تقریباً مستقلی بوده است. بعدها با دربار صفوی ارتباط پیدا کرده و ۵۰۰ نفر افراد یاساکی را آمادۀ خدمت در ارتش صفوی کرده است (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۰۳).

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

از حدود سال ۹۳۰ق. مورخان به مناسبت‌هایی از حاکم کردهای کلهر سخن می‌گویند و ضمناً می‌نویسند:

«عشایر کلهر بین کرمانشاه و مرز ایران ساکن بودند. گویا در ابتدای امر نفوذ ایرانیان در آنها اندک بوده است. ضمن وقایع ۹۵۰ق. منابع چنین می‌گویند که گروهی برای تئیه عشایر کلهر که همواره یاغی بودند، فرستاده شد. ما فقط در زمان شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ق.) است که به وضوح به نام حاکم کرمانشاه بر می‌خوریم» (بُرن، ۱۳۵۷: ۱۰-۱۱).

در سال ۹۹۸ق. نیروی عثمانی به سرداری چغال اوغلی از عراق عرب گذشت و ضمن تصرف خاک کلهر، به ولایت همدان تاخت و قورخمس خان شاملو، حکمران آنجا را دستگیر کرد و تا نهایند و حدود لرستان پیش رفت و در آنجا قلعه مستحکمی بنا نهاد. شاه عباس اول چون خود را در برابر عثمانی‌ها ناتوان دید، ناچار شرایط سلطان مراد سوم، پادشاه عثمانی را برای صلح پذیرفت و سرانجام در سال ۹۹۹ق. به موجب پیمانی که میان دو دولت بسته شد، ایالات‌های غربی ایران از جمله کرمانشاهان و خاک کلهر به دولت عثمانی واگذار شد (فلسفی، ج اول، ۱۳۵۲: ۱۴۸). ایل کلهر از سال ۹۹۸ق. تا سال ۱۰۱۲ق. تحت حکومت عثمانی قرار داشت، تا اینکه در سال ۱۰۱۲ق.، شاه عباس، الله وردی خان، حاکم فارس را مأمور اخراج عثمانی‌ها از خاک کلهر و تصرف بغداد کرد. وی ضمن تصرف کرمانشاهان، از جمله سرزمین ایل کلهر به سوی بغداد پیش رفت و آنجا را محاصره کرد. چون اوزون احمد، حاکم بغداد اظهار پشیمانی کرد و اطاعت کرد، وی را ابقا و به ایران بازگشت. هنگام بازگشت الله وردی خان از بغداد معلوم شد که پسران میرقباد کلهر به عده‌ای از سپاهیان الله وردی خان حمله کرده و به آنان آسیب رساندند. از این رو الله وردیخان پسران میرقباد کلهر را که به دولت عثمانی وابسته بودند برانداخته و این نواحی را از طرفداران دولت عثمانی پاک کردند (ترکمان، ۱۳۵۰: ۶۴۹/۲-۶۵۰).

علاوه بر حکام کلهر در ناحیه درتنگ، امرای کلهر ناحیه ماهیدشت مانند منصور خان و شهباز خان کلهر نیز مطیع دولت عثمانی بودند و پس از آنان القاس فرزند شهباز خان به حکومت کلهر رسید و هر ساله چهل هزار دام به دولت عثمانی تحویل می‌داد (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۱۱۹۳).

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

ایل کلهر از زمان شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.) تحت نظر حاکم سنقر و کرمانشاهان قرار داشت (بُرن، ۱۳۵۷: ۱۱). در سال ۱۱۳۹ ق. احمد پاشا، والی بغداد به خاک ایران حمله کرد و پس از تصرف ناحیه قلمرو ایل کلهر و کرمانشاه به سوی پایتخت ایران پیشروی کرد، ولی اشرف افغان او را شکست داد و تا کرمانشاه تعقیب کرد. در سال ۱۱۴۰ ق.، احمد پاشا با ۶۰ هزار سپاهی، خیال ادامه زد و خورد داشت که به علت صلح بین ایران و عثمانی جنگ شروع نشده و در نتیجه این پیمان صلح، لرستان، همدان و کرمانشاهان به دولت عثمانی واگذار گردید و در مقابل پادشاه عثمانی حکومت اشرف را در ایران به رسمیت شناخت (زنگنه، ۱۳۴۷: ۱۳۳-۱۳۴). در این سال ایل کلهر بار دیگر تحت حکومت عثمانی‌ها در آمد و رئیس ایل کلهر و حاکم این ناحیه از سوی عثمانی‌ها تعیین شد. با شکست طهماسب دوم از عثمانی‌ها پنج محال از منطقه کرمانشاه به عثمانی‌ها واگذار شد که قلمرو ایل کلهر یکی از آن پنج محال بود که البته با تلاش نادر قلی افشار این پنج محال همچنان جزء ایران باقی ماند. (شعبانی، ۱۳۶۹: ۳۰).

ایل کلهر در دوره افشاریه

نادرشاه برای جلوگیری از قدرت یافتن این ایل گروه زیادی از اعراب و ترکمانان را میان ایل فرستاد و ایلخان کلهر را نیز کور کرد؛ اما با فوت نادرشاه، افراد ایل کلهر گروه اعراب و ترکمانان را از منطقه حاکمیت خود بیرون راندند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۷۱). در دوره افشارها اکثر حکمرانان کرمانشاه از مشاورین نادر بودند؛ از جمله این اشخاص می‌توان به حسین قلی خان زنگنه و مصطفی قلی خان زنگنه اشاره کرد که اولی در سال ۱۱۴۸ ق. و دومی در سال ۱۱۵۲ ق. این سمت را بر عهده داشتند. حسین قلی خان زنگنه، یکی از سرداران معروف نادر بود. او در جنگ‌های متعددی که با افغان‌ها و عثمانی‌ها به فرماندهی شخص نادر صورت می‌گرفت شرکت فعال داشت و از ایلات غرب خصوصاً زنگنه و کلهر، سواران زیادی را با خود به همراه برد، که طرف توجه نادر قرار گرفت (شعبانی، ۱۳۶۹: ۶۹). نادر پس از انتخاب به پادشاهی ایران در دشت مغان، سیاست جابجایی ایلات و عشایر را به اجرا درآورد و چون از نافرمانی ایل کلهر با خبر شد، برای کم کردن قدرت آنها در منطقه کرمانشاه گروه زیادی از اعراب میش مست و ترکمانان را به

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

قلعه معروف کرمانشاه فرستاد. ابوالحسن گلستانه می‌نویسد: «نادرشاه (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق.) در بنای قلعه معروف کرمانشاهان از بیم و قیام ایل کلهر به جای استقرار سواران و جنگجویان قلمرو زنگنه و گوران، بسیاری از اعراب ترکمان و اعراب میش مست خراسانی را کوچانیده و در قلعه مستقر ساخت؛ چون با اعتراض نجف قلی خان ایل بیگی مواجه گردید، دستور به کور کردن او داد» (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۷۲).

پس از مرگ نجف قلی خان، ایل بیگی کلهر که به دستور نادر کور شده بود، علی خان کلهر، ایل بیگی کلهر را به دست آورد. با به قتل رسیدن نادر، ایلات زنگنه و کلهر با استفاده از هرج و مرج اوضاع داخلی بر سر اعراب میش مست و ترکمانان که در قلعه مستقر بودند ریخته و آنها را از پای درآوردند. گویا کریم خان زند دستور محاصره قلعه را صادر کرده بود و رؤسای زنگنه و کلهر تعهد داده بودند که این مهم را به انجام برسانند (همان، ۲۱۶).

در سال ۱۱۴۲ق. حسینقلی خان زنگنه که از سوی طهماسب قلی خان (نادر) مأمور جنگ با عثمانی در کرمانشاه شده بود. در ۱۲ کیلومتری کرمانشاه از عثمانی‌ها شکست خورد و عده زیادی از تفنگچیان ایل کلهر و زنگنه در این جنگ کشته شدند. نادر که از شکست حسینقلی خان و عشایر ایل کلهر و زنگنه آگاه شد به سوی کرمانشاه حرکت کرد. حسن پاشا، فرمانده سپاه عثمانی به سوی بغداد فرار کرد (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۱۲۲-۱۲۱).

نادر پس از اطلاع از فرار عثمانی‌ها، از عزیمت به کرمانشاه منصرف شد و در اول محرم ۱۱۴۳ق. از اسدآباد همدان به قصد بیرون راندن عثمانی‌ها از آذربایجان، عازم آن ایالت گردید. وی قبل از حرکت از اسدآباد به حسینقلی خان زنگنه، حاکم کرمانشاه دستور داد که در کرمانشاه قلعه جدیدی احداث کند و از جانب ایلهای کلهر و زنگنه آنچه جوانان کارآمد باشد در اختیار گیرد و امور ولایت را منظم نماید (همان، ۱۲۲).

عثمانی‌ها برای جبران شکست خود بار دیگر به خاک ایران حمله کردند و قشون عثمانی به فرماندهی احمدپاشا، والی بغداد، قصرشیرین، سرپل ذهاب، اسلام آباد، ماهی دشت و کرمانشاه را اشغال کردند و به کمک حاکم اردلان تا نزدیک همدان پیش رفت. در سال ۱۱۴۷ق. در نزدیکی

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

قریجان با اردوی شاه تهماسب جنگی سخت درگرفت و نیروی ایران شکست خورد و در نتیجه صلحی، با دیگر اردلان، همدان، جزیره، لرستان و کرمانشاهان از آن عثمانی شد. بدین ترتیب بار دیگر ایل‌ها و چادرنشینان کرمانشاه، بویژه ایل کلهر تحت نظر دولت عثمانی درآمدند تا اینکه در سال ۱۱۵۶ق.، سرزمین‌های فوق بار دیگر به دنبال نبردهایی که نادر با قوای عثمانی کرد، به تصرف ایران درآمد (زنگنه، ۱۳۴۷: ۱۳۵-۱۳۶).

ایل کلهر در زمان حکومت زندیه

با به قدرت رسیدن کریم خان، ایل کلهر وارد عرصه جدیدی از قدرت سیاسی شد. هنگامی که کریم خان از تسخیر تهران، قزوین و عراق فارغ شد به طرف کرمانشاه آمد. در اسلام آباد غرب بزرگان ایل کلهر از او استقبال شایانی کردند. به همین جهت کریم خان در این دیدار با ایل کلهر وصلت کرد و «قدم خیر» دختر علی خان کلهر، رئیس ایل را به عقد خویش درآورد (وره‌رام، ۱۳۶۸: ۴۳). در بین مردم محلی معروف است که کریم خان عده‌ای از سواران ایل کلهر را با خود به شیراز برد. جد بزرگ داوودخان سهام‌الممالک در بین این عده بود. در واقع می‌توان گفت سنگ بنای قدرت‌گیری داوودخان از شیراز شروع شد. زیرا «صفر لک» جد بزرگ داوودخان، پسری داشت به نام «عبدالمحمد» که از مشاورین کریم خان زند بود (گودرزی، ۱۳۸۱: ۱۳). چند سال بعد بنا بر دلایلی نامعلوم، عبدالمحمد توسط علی خان کلهر، رئیس ایل کلهر، کور گردید. عبدالمحمد که ماندن در بین ایل کلهر را به سود خود ندید راهی گیلانغرب شد و با کمک سه برادرش توانست جاه و مقامی در منطقه کسب کند. پس از مدتی، ریاست ایل کلهر به عباس خان، پدر داوودخان، رسید و او نیز در سایه کمک و یاری سایر تیره‌های کرد منطقه، توانست قلمرو خود را گسترش دهد. چون عباس خان در سال ۱۲۹۶ق. از جانب حکومت وقت (قاجاریه) دستگیر شد، امورات ایل را داوودخان برعهده گرفت. داوودخان نیز دامنه درگیری با طوایف اطراف را گسترش داد. او اگرچه در جنگ با تیره «سیاه سیاه» به عراق فرار کرد اما در بازگشت چنان قدرتی به هم زد که حتی باعث ترس و وحشت اقبال‌الدوله کاشانی، حاکم کرمانشاه گردید (بشیری، ۱۳۶۳: ۳۸۴ - ۳۸۵). قدرت وی چنان زیاد شد که در سال ۱۳۲۰ق. حکمران جدید کرمانشاه، وی را با لقب

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

«سردار مظفر» به ایل بیگی ایل کلهر انتخاب کرد. در گزیده اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما آمده است: «طایفه کلهر از بزرگترین طوایف کرمانشاهان و متجاوز از دوازده هزار خانوار است ... از ده سال به این طرف که داوودخان کدخدای طایفه کلهر، قدرت و استیلاى فوق‌العاده به هم رساند، مرحوم علاءالدوله حکومت کلهر را به داوودخان شخصاً، واگذار کرد» (اتحادیه، ۱۳۶۶: ۷۹۴). ایل کلهر در روزگار حکومت زندیه از موقعیت ویژه‌ای بهره‌مند بوده و روابط حسنه‌ای با کریم‌خان زند داشته است. دولت زندیه (۱۱۶۶-۱۲۷۵ق.) چندین بار به جنگجویان کمک کرد؛ از جمله عشایر کلهر با حکومت عثمانی در عراق جنگید و پیروز شد. کریم‌خان زند برای استقرار امنیت در تمام نقاط از وجود کردان، بویژه ایل‌های زنگنه و کلهر استفاده کرده است.

پس از قتل نادرشاه در سال ۱۱۶۰ق.، سرداران نادر شاه، از جمله کریم‌خان زند و خاندانش به موطن اصلی خود در حومه ملایر بازگشتند. آزادخان افغان هم از موقعیت استفاده کرده و در کردستان و کرمانشاهان دعوی استقلال کرد. در این احوال کریم‌خان زند، با مدعیان سلطنت به جنگ پرداخت. نخستین جنگ وی با مهرعلی خان تکلو، حکمران همدان و کرمانشاه صورت گرفت. کریم‌خان وی را مغلوب و در قلعه و لاشگرد محاصره کرد. مهرعلی خان از حسن‌علی خان اردلان، حاکم کردستان کمک خواست. از این رو کریم‌خان دست از محاصره برداشت (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۵۰-۱۴۷).

در اواسط سال ۱۱۶۳ق.، از میان بقایای قشون ابراهیم میرزا، برادر علی‌شاه که از شاهرخ شاه شکست خورده بود، گروهی تحت فرماندهی امام‌قلی خان زنگنه قرار داشتند. این دسته در نزدیکی بیستون با اتحادیه‌ای از عشایر کرمانشاهان به سرکردگی نجفقلی خان کلهر جنگ کردند. امام‌قلی خان زنگنه پسر رحیم بیگ، آنان را مغلوب کرد و عازم تصرف قلعه کرمانشاه که در دست مرتضی قلی خان و نجفقلی خان بود، گردید. خان‌های کلهر از حسن‌علی خان، والی کردستان کمک خواستند، والی نیز با سپاهیان به طرف کرمانشاه حرکت کرد و امام‌قلی خان زنگنه را شکست داد. حسن‌علی خان به دلیل حمله سلیم‌پاشای حاکم سابق عثمانی کردستان غربی، به کردستان بازگشت (همان، ۱۵۰-۱۶۹).

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

کریم‌خان زند که به فکر تصرف مرکز غرب ایران بود، پس از شکست فراهانی‌ها با زکریا خان کله‌ای و شهبازخان قراگوزلو متحد شد. وی علی‌مردان خان بختیاری چهار لنگ را شکست داد و از آنجا به همدان رفت و مهر علی‌خان تکلو را نیز مغلوب کرد و در حوالی همدان به انتظام امور همدان و کرمانشاه پرداخت. هنگامی که کریم‌خان در بیرون شهر کرمانشاه اردو زده بود، عده‌ای از رؤسای ایل کلهر به اتفاق ابوالحسن گلستانه، وقایع‌نگار این ایام نزد وی آمدند تا مراتب احترام و انقیاد خویش را ابراز دارند (پری، ۱۳۶۸: ۳۵). در این هنگام علی‌مردان خان بختیاری چهار لنگ که از ابوالفتح خان، حاکم اصفهان شکست خورده بود، به کریم‌خان زند پیوست و با هم ابوالفتح خان بختیاری را مغلوب و به سال ۱۱۶۴ق. اصفهان سقوط کرد. (دهگان و هدایتی، ۱۳۳۰، ۶۶/۲-۶۷). اما کریم‌خان زند، علی‌مردان خان و ابوالفتح خان بختیاری با هم متحد شدند و مسئولیت اداره کشور را بین خود تقسیم کردند و متعهد شدند که در امر حکومت کوچکترین اقدامی بدون مشورت هم‌پیمانان به عمل نیاید.

علی‌مردان خان به تعهد خود وفادار نماند و دست به حملات زیادی زده و قتل و غارت‌هایی را به باور آورد. از این رو کریم‌خان با وی جنگید و او را شکست داد. کریم‌خان پس از این پیروزی دستور داد تا قلعه کرمانشاه را محاصره کنند. در این هنگام آگاه شد که سپاه محمد حسن قاجار در فاصله یک روز راه تا اردوگاه او پیش آمدند. بنابراین کار محاصره قلعه را به ایل‌های کلهر و زنگنه سپرد و دستور داد محاصره را ادامه دهند. آنگاه خودش در ۱۱۶۵ق. به جلوگیری خان قاجار شتافت (گلستانه، ۱۳۴۴: ۲۰۲). در ۹ محرم ۱۱۶۶ق. کاروان علوفه‌ای متعلق به مردم قلعه به دست عشایر کلهر افتاد. عبدالعلی خان با ۲۰۰ نفر از قلعه خارج شد تا علوفه‌ها را از دست کلهرها درآورد. عبدالعلی خان از سوی مدافعان قلعه تقویت شد، جناح راست جنگجویان کلهر به سوی شهر و خارج آن عقب رانده شدند و نجفقلی خان زنگنه و جنگجویانش تا اسلام-آباد گریختند. صادق خان زند با هزار نفر سپاه برای تصرف قلعه اعزام شد، بار دیگر قلعه محاصره گردید. با حمله مسلحانه مدافعان قلعه، سپاه صادق خان تا داخل باغ‌های کنار شهر عقب رانده

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

شدند. صاق خان به پری بازگشت. محمدخان زند خودش با ده هزار نفر جنگجوی زند عازم

کرمانشاه شد و از ایل‌های کلهر و زنگنه کمک خواست (همان، ۲۱۶-۲۲۹)

بالاخره پس از دو سال محاصره و خسارت و ضایعات زیادی، مدافعان قلعه کرمانشاه در سال

۱۱۶۷ق. به نیروی کریم خان زند و ایل‌های کلهر و زنگنه تسلیم و سقوط کرد (همان، ۲۶۲-۲۶۶).

میرعبداللطیف خان شوشتری که در حدود سال ۱۱۹۵ق. در کرمانشاه بوده است، دربارهٔ عشایر

کلهر می‌نویسد:

«طایفه کلهر به حُسن، جمال و نیکویی صورت مشهور بودند و به این شیوه بر خود مغرورند

و حق این است که اکثریت آنها مردمانی شیرین شمایل و کوچک دل‌اند» (شوشتری، ۱۳۶۳:

۱۷۷).

ایل کلهر در زمان قاجار

در دوره قاجار قدرت ایل کلهر در دست خاندان حاجی‌زاده و یآوری افتاد. حاجی‌زاده‌ها که

خانواده‌ای شهرنشین بودند مرکزیت ایل را از هارون‌آباد به شهر کرمانشاه انتقال دادند. از اسماعیل

خان کلهر و پسرش مهدی خان به عنوان بزرگترین حکمرانان ایل کلهر در این دوره نام برده می-

شود (شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۷۶۰).

آقا احمد بن محمد علی بهبهانی که از حوزه ایل کلهر گذشته است در این باره می‌نویسد:

«از جمله سرداران عظیم‌الشأن ایلات، یکی عالی جاه عمده‌الجناب مهدی خان خلیف مرحوم

اسماعیل خان، بزرگ ایل جلیل کلهر است. نهایت مستقیم الطبع و سخی است و اشعار لطیفه از

مراثی و غیره از کلک بدایع افکارش جاری می‌شود و پیوسته مشتاق صحبت علما و اصحاب

کمال است» (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۱۸۸). با شروع درگیری‌های ایران و عثمانی در سرحدات غرب،

«فتحعلی‌شاه پسر خود محمدعلی میرزای دولت‌شاه را به حکومت کلیه ولایات غربی ایران از مغرب

آذربایجان تا بصره انتخاب کرد» (شمیم، ۱۳۷۴: ۱۱۳). خاندان حاجی‌زاده که ریاست کلهرها را در

دست داشتند در منطقه‌ای در ۱۵ کیلومتری شهر کنونی گیلانغرب با قوای عثمانی آن‌چنان دلیرانه

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

جنگیدند که هنوز آن نقطه از کشور، یعنی «تنگه حاجیان» به نام سواران کلهر به فرماندهی حاجی - زاده‌ها نامگذاری شده است.

در سال ۱۲۶۴ق. که محمد شاه قاجار درگذشت، عثمانیها به فکر گرفتن ذهاب افتادند. اسعد افندی و ابراهیم بیگ در نامه‌ای به عثمان پاشا، حاکم خانیقین، درخواست اعزام نیرو جهت تصرف ذهاب و سرکوب عشایر کلهر، چنین نوشته‌اند:

«... شاه مُرد، ولایت ایران در غایت مغشوشی و پریشانی است. امروز وعده و فرصت است.

ذهاب خاک دولت و علیه دولت عثمانی می‌باشد. فرصت از این خوبتر نمی‌شود، هرگاه هوس ولایت دارند، به قدر پانصد سوار بفرستند بیاید بر سر ذهاب ... امید به قدر دو صد سواره به عنوان امداد بفرمایند. مبدا کردن و کلهر طمع غارت و اسیرمان نمایند ...» (نصیری، ۱۳۶۸: ۲۳۵).

میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک در روزگار سلطنت ناصرالدین شاه، بین سال‌های ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ق. به غرب کشور مسافرت کرده است، ضمن توصیف شهر کرمانشاه دربارهٔ عشایر کلهر در این دوره می‌نویسد:

«امر طوایف کلهر به واسطهٔ سوء رفتار و عدم کفایت مصطفی قلی خان، حاکم آن طوایف که تازه به حکومت آنها مأمور شده بود، خالی از اختلال نبود. بسیاری از طوایف آن ایل را به واسطهٔ بستگی آنها به محمدحسن خان، حاکم سابق آن ایل چاپیده بود و افواهاً مذکور بود که به قدر سی هزار تومان اموال آن طوایف را به غارت برده‌اند و عشیری از آن عاید خود مصطفی قلی خان نشده است. به واسطهٔ این حرکت او، جمع کثیری از آن ایل به اطراف و جوانب متفرق شده بودند و بسیاری به نواحی کردند و ذهاب به ملک نیاز خان سرهنگ و حاکم کردند، پناهنده بودند که هنگام عبور از آن نواحی این خانه‌زاد، بعضی از آنها را ملاقات نمود و از حالشان مستحضر شد» (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۶۱).

اوژن اوین در کتاب ایران امروز، به توصیف وضع ایل کلهر در سال‌های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ق.

می‌پردازد:

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

«ایل کلهر حالت عشیره‌ای خود را به شکل ابتدایی‌اش حفظ کرده است ولی رؤسای موروثی آن جای خود را به کدخداهایی داده‌اند که از جانب ایلخانی انتخاب می‌شدند. ایلخانی کنونی داودخان کلهر، ملقب به سهام‌الملک، سابقاً کدخدای ساده‌ای بود. او موفق شد رئیس و ایلخانی سابق را از سمت خود خلع و او را به اتفاق طایفه‌اش روانه اقامت در کرمانشاه کند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۵۲).

در دوره حکومت ظهیرالدوله در کرمانشاه، ایل کلهر در اطراف کرمانشاه بنای شرارت را نهاده بودند. از این رو ظهیرالملک در جمادی الاول ۱۳۱۴ق. به شیرخان سنجایی دستور داد که کلهرهای شورشی را دستگیر کند و تحت الحفظ به کرمانشاه اعزام کند (سپهر، ۱۳۶۸: ۹۰/۲). در ربیع‌الاول ۱۳۱۶ق. محمدخان اقبال‌الدوله غفاری کاشانی به حکومت کرمانشاهان منصوب شد. وی حکومت و ریاست ایل کلهر را کما فی‌السابق به محمدعلی خان ایلخانی، حکومت و ریاست ایل گوران را با محافظت سرحد، به حسین خان امیرتومان، حکومت و ریاست ایل سنجایی را به شیرمحمدخان و حکومت سنقر را به معاون نظام داد (همان، ج ۲: ۲۷۴). فریدالملک همدانی که از سال ۱۳۲۶ق. کارگزار وزارت امور خارجه در کرمانشاه بوده است، درباره جنگ اهالی شهر کرمانشاه با عشایر کلهر می‌نویسد:

«جمعه ۵ رجب ۱۳۲۷ق. شب گذشته اهل شهر با سردار مظفر طرف شده کار به جدال کشید تا صبح صدای تفنگ می‌آمد. آخر الامر داودخان ایلخانی فراراً از کرمانشاه رفت و نتوانست بماند اگر چند روز می‌ماند، در این شهر قحطی می‌شد. بحمدالله شرشان از شهر کنده شد، ولی به دهات و مردم خیلی خسارت وارد آوردند» (فرید، ۱۳۵۴: ۳۲۵).

رؤسا و بزرگان ایل کلهر در سال ۱۳۳۱ق. عبارت بودند از: امیر مخصوص (قبادیان) که چند دوره نماینده مجلس شواری ملی بوده و از افراد مرود احترام عشایر کلهر بوده است. کریم داود ملقب به سالار نصرت فرزند داودخان کلهر که در بین عشایر نفوذ داشته و بر چند طایفه و تیره کلهر ریاست داشت و علی‌شاه داودیان، پسر دیگر داودخان کلهر.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

قاسم و غلامرضا اعظمی، فرزندان اعظمی بزرگ که مردی معمر، ساده لوح، وطن دوست و مردم‌دار بوده است. وی کلیه کارهای افراد ایل و اهالی را به طور کردمنشی و ساده حل و فصل می‌کرده است. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ق. به دست یکی از دشمنان سرسخت خود کشته شد. پس از وی فرزندان او امور مربوط به عشایری را عهده گرفته و با نهایت جدیت و حسن سلوک رفتار می‌کرده‌اند. اردشیری‌ها و کیانی‌ها نیز دارای شخصیت و نفوذ ویژه‌ای بوده و رئیس قسمتی از عشایر ایل کلهر بوده‌اند (ستارمنش، ۱۳۳۱: ۴۶). در اوایل عصر قاجار، عشایری که در سال ۱۱۶۷ هجری، همراه محمدخان زند به شیراز کوچ کرده بودند به محل‌های اولیه زیست‌بوم خود بازگشتند. از جمله بزرگانی از شعبه شهبازی ایل کلهر نیاکان حاجی‌زادگان و یاوری که در حکومت‌های محلی سلسله‌های حاکمیتی شاهان قاجار از آن پس صاحب اعتبار و شهرت شدند؛ چون عبدالله بیگ کلهر از خاندان بعدی حاجی‌زادگان که ایلچی کریم‌خان زند به دربار امپراتوری عثمانی بوده است، با بازگشت ایلات بزرگان این خاندان نیز با ایل کلهر به کرمانشاهان و زیست‌بوم کلهر بازگشتند. اما خاندان معروف به یاوری که جد اعلای آنان می‌تواند اسماعیل خان باشد در میان ایل باقی مانده و به تبعید نرفتند. فرزند اسماعیل خان، مهدی خان اول بود. وی ایل بیگی کلهر بود و در عصر او و یا کسانی از خاندان حاجی‌زادگان و یاوری، ایل کلهر فاقد تعرفه ساختاری بزرگ ایل بود که در رأس آن ایلخان قرار می‌گرفت (شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۷۶۸).

احوال مهدی خان اول، ایل بیگی کلهر، با جریان‌های دهه اول سلطنت محمدعلی میرزای دولتشاه حاکم کرمانشاهان (۱۲۲۱-۱۲۳۷ ق.)، مقارن است. چرا که به موجب معاهده فین‌کنشتاین، ماده ششم و هفتم منعقد به تاریخ ۲۵ صفر سال ۱۲۲۲ ق. بین ناپلئون و فتحعلی‌شاه، پادشاه ایران مایل است، پیاده نظام و توپخانه و استحکامات خود را طبق اصول اروپایی منظم نماید. امپراتور فرانسه و پادشاه ایتالیا متعهد می‌شوند، توپ‌های صحرایی و تفنگ‌های مورد نیاز ایران را تأمین نمایند. نیز متعهد می‌شوند هر اندازه پادشاه ایران برای تحکیم قلاع و تنظیم توپخانه و پیاده نظام تسلیحات لازم داشته باشد، در اختیار او قرار دهند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۰۶ - ۱۰۷). در این زمان در

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

رأس ایل کلهر، مهدی خان کلهر کرمانشاهی فرزند اسماعیل خان جد خاندان یآوری قرار داشت. محمود میرزا پسر فتحعلی شاه در مورد مهدی خان کلهر نوشته است:

«مهدی خان از سرکردگان عظام و سرخیلان کرام ایران زمین بوده است. به بیست هزار خانوار طایفه کلهر، چنان بزرگ، ریش سفید و مطاع آمده که بدون تصدیقش، دختری در قبالة نکاح مردی در نیامدی و حاجت مندی از این طایفه عظیم رو به شهر نکردی. در دارالدوله کرمانشاهان بلکه در لرستان و خوزستان از همگنان طاق، خدمات شایسته به این دولت خداد نموده و در سال ۱۲۳۰ق.، جان را وداع با بادیه گردی و صحرائشینی در جودت ذهن و خوبی سلیقه از جمله ایلیات عراق ممتاز و بی نیاز آمده است» (شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۷۶۶). در سال ۱۲۳۷ق.، آخرین لشکرکشی محمدعلی میرزای دولتشاه به آن طرف سیروان در کردستان شمالی و بغداد صورت گرفت. این جنگ با محمد آقای کهیا و محمود پاشا در یاسین تپه بود. نیروهای زنگنه و کلهر با مجاهدت تمام سپاهیان کهیا را شکست دادند (میرخواند، ج ۱۰، ۱۳۳۹: ۷۷۸۰-۷۷۸۱).

لازم به ذکر است که با مرگ مهدی خان کلهر، ایل بیگی ایل کلهر در سال ۱۲۳۰ق. به دست محمدعلی خان اول یا محمدعلی خان کلهر فرزند مهدی خان کلهر افتاد. اما در سال ۱۲۳۲ق.، مقام ایل بیگی کلهر به حاج شهباز خان کلهر که پیشتر عنوان قلعه بیگی داشته است، منتقل شد. حاج شهباز خان کلهر فرزند منوچهر خان یا منوچهر بیگ کلهر جد طایفه‌ای معتبر حاجی زادگان کلهر است که پس از مهدی خان، قدرت را به دست می‌گیرد. حاج شهباز خان ایل بیگی در سال ۱۲۳۵ق. در دو دانگ موصوف به ملکیت شهر کرمانشاه، مبادرت به احداث حمام و مسجد موسوم به مسجد و حمام حاج شهباز خان نموده است (کشاورز، ۱۳۸۲: ۱۲۱۶-۱۲۲۵). پس از حاج شهباز خان، محمد علی خان کلهر زمام امور را به دست گرفت و دلاوری‌های سران کلهر یآوری موجب گردید، حشمت‌الدوله یکی از دختران خود را به همسری محمدحسین خان، فرزند محمدعلی خان کلهر درآورد. احتمالاً این پیوند مربوط به واقعه سال ۱۲۴۱ ق. و لشکرکشی شاهزاده محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله به خرم آباد، جهت دفع میرزا محمد لواسانی باشد (سفرنامه‌های خطی فارسی، ۱۳۸۵: ۶۱۲ و ۶۱۳). حشمت‌الدوله تا اواخر سال ۱۲۴۴ق. همچنان

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

حاکم کرمانشاه بوده است و در سفر جدش فتحعلی‌شاه به بهبهان و شوشتر به خدمت وی شتافته است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۷۹۳۵/۱۴).

پیوندهای سران ایل کلهر با خاندان حشمت‌الدوله و شدت عمل او بر سران گوران و باعث شد تا به دستور عباس میرزا، حشمت‌الدوله عزل و به اشاره فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردد. بی‌توجهی‌های وی به ولیعهد نیز مزید بر علت بود تا فرزند ارشدش دولت‌شاه با آن همه خدمت، عزل و به تهران احضار شود و در سال ۱۲۴۲ق.، محمد تقی میرزای حسام‌السلطنه فرزند فتحعلی‌شاه به حکومت کرمانشاهان منصوب گردد.

در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه (۱۲۴۸-۱۲۴۹ق.)، حکومت هندوستان جهت تقویت سپاهیان عشایری ایران، تعدادی اسلحه و ادوات جنگی به ایران گسیل داشت و در بهار ۱۲۵۰ ق.، هیئت نظامی - سیاسی نسبتاً بزرگی از صاحب منصبان نظامی و سرجوقه‌های انگلیسی با سلاح و مهمات فراوان از هندوستان به ایران وارد کردند. از مشهورترین آنان «جستین شیل» و «هنری راولینسون» بود که به منظور تهیهٔ افواجی از میان دو ایل کلهر و گوران به کرمانشاه مأموریت یافت و دو سال بعد به مدد سپاهانی از کلهر و گوران که خود تربیت کرده بود، در معیت بهرام میرزای معزالدوله والی کرمانشاهان، به سرکوبی یاغیان لرستان و خوزستان روانه شد (همان).

نتیجه

از نظر پیشینه تاریخی ایل کلهر در منطقه غرب ایران و بخصوص استان کرمانشاه می‌توان گفت که یکی از قومیت‌های مسلط و با اعتبار در منطقه غرب کشور محسوب می‌شدند که همواره نقش مهمی را در مناسبات ملی و بین‌المللی ایفا می‌کردند. با مطالعه پیشینه این قوم می‌توان نتیجه گرفت که هیچ دولتی بدون تعامل با ایل ریشه‌دار کلهر نمی‌توانسته آرامش را در مناطق غربی کشور پایدار سازد؛ به طوریکه اگر دولت مرکزی با ایل کلهر سر ناسازگاری پیدا می‌کرد، ناامنی و بعضاً شورش‌های متعددی در مناطق غربی رخ می‌داد. از نظر سیاسی قدرت ایل کلهر بیشتر در قرون متأخر اسلامی نمود می‌یابد. به طوریکه در قرون متأخر اسلامی دولت مرکزی ایران در تعامل

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

با ایلات و عشایر، یک نظام تعامل‌پذیر را همواره در پیش می‌گرفت و قدرت‌های برتر و مسلط مرکزی با قدرت‌های محلی و اقوام و گروه‌ها روابط مشخصی برقرار می‌کردند. در این دوران حکومت مرکزی با همه ترفندها و سیاست‌هایی که برای تثبیت قدرت سیاسی در میان ایل کلهر و عشایر منطقه غرب در پیش گرفت، با در پیش گرفتن نوعی تعامل‌پذیری در ارتباط با آنها، بخشی از اختیارات خود را در حوزه محلی کرمانشاه به خود کردها واگذار کرد و به توزیع قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در مقابل دریافت خدمات محلی آنها پرداخت. با این حال با وقوع جنگ جهانی دوم، اوضاع سیاسی ایران دگرگون و اقتدار حکومت مرکزی در استان‌های مجاور و مناطق عشیره‌ای تضعیف شد. تلاش محمدرضا شاه برای آرام ساختن کردستان، علاوه بر اعتماد و اتکاء به نیروهای نظامی به وسیله به همکاری پذیرفتن رهبران عشیره‌ای در سیستم پادشاهی و سلطنتی از طریق سیاست پادشاهی مالی و سیاسی، جلو رفت؛ مثلاً شاه صاحبان سنتی قدرت را در میان کلهر شناسایی و مشخص کرد و به آنها مناصب و مقامات بلند پایه‌ای را در حکومت محلی پیشنهاد داد. هر چند پادشاه سیاست تهدید و تشویق شاه نصیب بعضی از کردها و ایل کلهر می‌شده؛ اما زندگی اکثریت کردها در طول حکومت پهلوی همچنان بدون تغییر ماند. اگرچه ایل کلهر تعامل نسبتاً سازنده و مثبتی را در قرون متأخر اسلامی با حکومت مرکزی داشت؛ با این حال در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره پهلوی از حکومت مرکزی متضرر نشد.

منابع

۱. اوبن، اوژن. ایران امروز. ترجمه و حواشی علی اصغر سعیدی. تهران: زوار، ۱۳۶۲.
۲. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. گزیده اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما. چ دوم. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۶.
۳. احتسابیان، سلطان احمدخان. جغرافیای ایران. تهران، انتشارات مدرسه نظام، ۱۳۱۱.
۴. اعتصام‌الملک، میرزا خانلرخان. سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک. به کوشش منوچهر محمودی. تهران، فردوسی، ۱۳۵۱.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

۵. بدلیسی، امیرشرف خان شرفنامه بدلیسی. اهتمام محمدعباسی. تهرانف. ۱۳۶۴.
۶. بدیعی، ربیع. جغرافیای مفصل ایران (جغرافیای انسانی). تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.
۷. بشیری، احمد. کتاب آبی. ۲ جلد. تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
۸. بهبهانی، آقا احمد بن محمد علی. مرات الاحوال جهان نما. تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۹. پری، جان. ر. کریم خان زند. ترجمه علی محمد ساکی. تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۱۰. دهگان، ابراهیم، و ابوتراب هدایی. تاریخ اراک. ۲ جلد. اراک، اداره فرهنگ و شهرسازی اراک، ۱۳۳۰.
۱۱. دیوان بیگی شیرازی، سید احمد. ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه (حدیقه الشعرا. ج ۳. با تصحیح و تکمیل عبدالحسین نوایی. تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۶.
۱۲. راولینسون، سر هنری. سفرنامه سر هنری راولینسون. ترجمه دکتر سکندر امان-اللهی بهاروند. تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
۱۳. رزم آرا، علی. جغرافیای نظامی ایران - کرمانشاهان. تهران: چاپ ارتش، ۱۳۲۰.
۱۴. روملو، حسن بیگ. احسن التواریخ. ج ۱۲. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
۱۵. رهر، برن. نظام ایلات در دوره صفویه. ترجمه کیکاوس جهاندار. زیر نظر احسان یارشاطر. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷.
۱۶. زنگنه مظفر، علیقلی. دودمان آریایی (کرد و کردستان). جلد اول. تهران، ۱۳۷۴.
۱۷. سازمان امور عشایر. مجموعه اطلاعات و آمار ایلات و طوایف عشایری ایران. تهران، ۱۳۶۱.
۱۸. سازمان برنامه و بودجه. سمینار بررسی مسائل جامعه عشایری ایران. ج اول. کرمانشاه، دبیرخانه سمینار ناحیه‌ای، ۱۳۵۵.
۱۹. ستارمنش، محسن. «جغرافیای نظامی و عشایری منطقه غرب ایران، ناحیه کرمانشاه»، مجله ژاندرمری، سال ۴، شماره ۳۹، ۱۳۳۱.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر

۲۰. سپهر، عبدالحسین خان. یادداشت‌های ملک‌المورخین و مرآت الوقایع مظفری. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۸.
۲۱. سفرنامه ونیزیها در ایران. ترجمه منوچهر امیری. چ دوم. تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷.
۲۲. - سفرنامه‌های خطی فارسی. تصحیح و پژوهش. ج دوم. تهران: اختران، ۱۳۸۵.
۲۳. سیستانی، ایرج افشار. مقدمه‌ای بر شناخت ایلها. چادر نشینان و طوایف عشایری ایران. ج ۲. تهران، هما، ۱۳۶۶.
۲۴. سیستانی، ایرج افشار. کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن. تهران، زرین، ۱۳۷۱.
۲۵. شعبانی، رضا. تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه. چ دوم. تهران: نوین، ۱۳۶۹.
۲۶. شمیم، علی اصغر. ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران، مدبر، ۱۳۷۴.
۲۷. شوشتری، میرعبداللطیف خان. تحفه العالم و ذیل التحفه. به اهتمام ص. موحد. تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.
۲۸. فرید، مسعود. خاطرات فرید. تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۴.
۲۹. فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول. ج اول. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۳۰. فیروزیان، سهراب. سی ماه تلاش پا به پای مردم در راه نوسازی استان تاریخی کرمانشاهان. کرمانشاه، کاوه، ۱۳۴۸.
۳۱. کرزن، جرج ن. ایران و قضیه ایران. ج اول. ترجمه وحید مازندرانی. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
۳۲. کشاورز، اردشیر. زندگان عرصه عشق. تاریخ سیاسی اجتماعی وقف در استان کرمانشاهان. ج ۳. کرمانشاه، انتشارات طاق بستان، ۱۳۸۲.
۳۳. کمیسیون ملی یونسکو در ایران. ایرانشهر. ج اول. تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
۳۴. کیهان، مسعود. جغرافیای مفصل ایران. ج دوم. تهران: چاپ مجلس، ۱۳۱۱.
۳۵. گاردان، دو، آلفرد. خاطرات و مأموریت ژنرال گاردان در ایران. ترجمه اقبال آشتیانی. تهران: انتشارات گزارش، ۱۳۶۲.
۳۶. گلستانه، ابوالحسن. مجمل‌التواریخ. تهران، ابن سینا، ۱۳۴۴.

جغرافیای تاریخی سیاسی ایل کلهر با استناد به شواهد تاریخی و منابع مکتوب

۳۷. گودرزی، علیرضا. نقش ایل کلهر در دوره مشروطه. کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه، ۱۳۸۱.
۳۸. لیدی شل. خاطرات لیدی شل. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
۳۹. مردوخ کردستانی. تاریخ مردوخ یا تاریخ کرد و کردستان و توابع. ج اول. سنندج، کتابفروشی غریقی، ۱۳۵۱.
۴۰. معصومی، غلامرضا. عروسی در ایل کلهر. مجله هنر و مردم. شماره ۱۶۰/۱۵۹، سال ۱۳۵۴.
۴۱. میرخواند، محمد بن جاوید شاه. فهرست تاریخ روضه‌الصفاء. ترجمه رضاقلی خان هدایت. جلد ۱۰. تهران، خیام، ۱۳۳۹.
۴۲. مینورسکی. سازمان اداری حکومت صفوی. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۴۳. مرکز آمار ایران. آمار نامه استان کرمانشاهان. کرمانشاه، سازمان برنامه و بودجه کرمانشاهان، ۱۳۶۸.
۴۴. نصیری، محمدرضا. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران؛ قاجاریه. ج دوم. تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۸.
۴۵. نیکیتین، واسیلی. کرد و کردستان. ترجمه محمد قاضی. چ اول. تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۶.

The tribe of Kalhor's historical and political geography with predication to historical instances and written sources

Dr. Immediate Professor

Assistant Professor of Islamic History, Islamic Azad University, Mahallat District, Mahallat, Iran

Khadijah Abbasi Ghor Khorram

Ph.D. in History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

Abstract

(issue) and through (however) dispersed researches has written about tribal traditions and culture and their history and record ; But until now hasn't written independent and proper (suitable) research about the tribe of Kalhor's historical and political geography and their role in west of iran. Therefore it is the most important question of research that the tribe of Kalhor what (whether) plays role in political and social history of west of iran by reference historical instances and written sources? The results of research shows that the tribe of Kalhor plays undeniable role in political reactions of west of iran in recent islamic centuries. In recent islamic centuries always, central state of iran was pursuing a reactionable system , because of reaction to tribes and superior and dominant central power were establishing specific relation with local powers and other tribes and groups. In other words in this period, central government pursued all of tricks and diplomacies that were for stabilization of political power between tribe of Kalhor and tribes in west; it did give (concede) a part of it's authorities in local district of Kermanshah to Kords because of pursuing a type of reactionably in related to them and did distribution of political, economic, military power because of receipt of their local duties (services).

Key words : Tribe of Kalhor, historical and political geography of Kermanshah, recent islamic centuries, historical documents